

(قسمت دوم)

میان دانش آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا

دکتر مصطفی مؤمنی، استاد جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی

مسکونی، همچنین تأسیسات ارتباطی و خدماتی به طور کلی بهبود یابد. در فاصله ای که در حد توقع ساکنان آن باشد، باید محل هایی با اهمیت مرکزیت مکانی به انضمام تأسیسات آموزشی فرهنگی و اداری مربوطه تقویت شوند.

۴. نیروی کارایی مناطق حاشیه مرزی باید به طور ترجیحی با این هدف تشدید شود که در کلیه قسمت های آن شرایط زیستی و کاری، همچنین ساختار اقتصادی و اجتماعی که از این لحاظ با تمام کشور آلمان فدرال حداقل همتراز (یکسان) باشد، ایجاد شود. تأسیسات آموزشی، فرهنگی، ارتباطی، خدماتی و اداری ضرورت مبرم دارد.

۵. شرایط فضایی را باید برای این منظور ایجاد و تأمین کرد که کاربری اراضی کشاورزی و جنگل داری به منزله شاخه تولیدی اساس کل اقتصاد محفوظ بماند.

عمران کشوری باید تقویت شود. زمین هایی را که برای کاربری (بهره برداری) کشاورزی کاملاً مناسب هستند، باید تنها در حدی که ضرورت مبرم دارد، برای انواع دیگر بهره برداری ها منظور کرد. نظیر همین کار برای زمین های مورد بهره برداری جنگل صدق می کند.

برای مناطق روستایی باید کوشید تا تراکم کافی جمعیت و توان کارایی مناسب اقتصادی، همچنین امکانات کافی کسب و کار، نیز غیر از کشاورزی و جنگل داری فراهم آید.

۶. در فضاهای متراکم، با شرایط فضایی سالم زیست و کار، همچنین ساختار متوازن اقتصادی و اجتماعی باید این شرایط و ساختارها تأمین و تا حد لزوم اصلاح شود. با تراکم مکان های سکونت و کار که به شرایط فضایی ناسالم زیست و کار و همچنین

ماده ۲- اصول آمایش سرزمین
الف) اصول آمایش سرزمین عبارتند از:
۱. ساختار فضایی مناطق با شرایط زیستی و کار سالم، همچنین با وضعیت متوازن اقتصادی، اجتماعی باید تأمین شود و توسعه آن ها استمرار یابد.

مناطق که در آن ها چنین ساختاری موجود نیست، باید تدابیری برای بهبود ساختار آن ها اتخاذ شود.

گشایش از لحاظ خطوط ارتباطی و خدماتی، خدمت رسانی با کارهای ارتباطی و خدماتی و توسعه مطلوب را باید با یکدیگر هماهنگ کرد.

۲. باید در پی تراکمی از مکان های مسکونی و کاری بود که در حفظ، بهبود و یا ایجاد ساختارهای فضایی با شرایط زیستی و کار سالم، همچنین وضعیت متوازن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سهیم است.

۳. در مناطقی که در آن ها، شرایط زیستی در تمامیت آن نسبت به میانگین آلمان فدرال به طور اساسی عقب مانده است، یا بیم چنین عقب ماندگی می رود، باید اوضاع عمومی اقتصادی و اجتماعی، همچنین تأسیسات فرهنگی بهبود یابد.

در محل های (جامعه های محلی، سکونتگاهی) چنین مناطقی باید شرایط زیستی جمعیت بالاخص وضعیت

الف) قانون آمایش سرزمین آلمان غربی سابق (۱۹۶۵)
مجلس نمایندگان فدرال (بوندستاگ) با توافق مجلس نمایندگان ایالات آلمان (بوندسرات) قانون زیر را تصویب کرده است:

ماده ۱- تکالیف و اهداف آمایش سرزمین
۱) ساختار فضایی عمومی کشور آلمان فدرال باید به سوی چنان توسعه ای هدایت شود که به وجه احسن به شکوفایی آزاد شخصیت انسان در جامعه کمک کند. در این هدایت باید داده های طبیعی، همچنین مقتضیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرند.

۲) هدف وحدت مجدد کل آلمان باید مراعات گردد و پیشبرد اجرای آن تقویت شود. در این کار باید ارتباط فضایی مناطق مورد توجه قرار گیرد و بهبود یابد.

۳) آمایش سرزمین باید در سرزمین فدرال پیش شرط های فضایی را برای همکاری در اروپا ایجاد و آن را تقویت کند.

۴) ساماندهی تقسیمات فضایی (واحدهای کوچک جغرافیایی) باید خود را در چارچوب ساماندهی فضای کل تطبیق دهد. ساماندهی فضای کل باید داده ها و مقتضیات تقسیمات فضایی خود را در نظر گیرد.

ساختارهای نامتوازن اقتصادی و اجتماعی منجر می شود، باید مقابله کرد. در جاهایی که چنین شرایط ناسالم و ساختارهای نامتوازن وجود دارد، باید سالم کردن آنها تقویت شود.

تدابیر لازم برای تحصیل این هدفها عبارتند از: برنامه ریزی محلی و منطقه ای آینده نگر، اصلاح وضعیت ارتباطی و تأسیسات خدماتی جمعیت و همچنین توسعه برخی از محلها به نقاطی جهت کاهش بار شهرهای بزرگ برای پذیرش مکانهای سکونت و کار در فاصله مناسب. نوع و گستره این تدابیر نباید به تحقق اصول شماره ۱ تا ۵ در سایر مناطق آسیب برساند. آنها باید به نگهداری چشم اندازهای تابع فضاهای متراکم کمک کنند.

۷. در جهت حفظ، حراست و توسعه طبیعت و چشم انداز به انضمام جنگل، همچنین برای تأمین و شکل دهی مناطق جهت تفریح (استراحت) باید کوشش شود. برای حفاظت خاک، پاک نگه داشتن آب، تأمین خدمات آب رسانی و پاکیزه نگه داشتن هوا، همچنین برای حفاظت عموم در برابر مزاحمت های صوتی، باید توجه کافی مبذول شود.

۸. همبستگی میهنی، همچنین ارتباط های تاریخی و فرهنگی باید مراعات شوند. به حفظ یادبودهای فرهنگی باید توجه کرد و به آنها ارج نهاد.

۹. مقتضیات دفاع غیر نظامی و نظامی باید مورد توجه قرار گیرد.

ب) اصول را می باید مقامات مذکور در ماده ۳، در چارچوب موازین مربوط به آنها در برابر یکدیگر و بین یکدیگر بر طبق معیار ماده یک بسنجند.

پ) ایالات می توانند، اصول پیش تری را وضع کنند تا حدی که آنها با بند یک و ماده یک تعارض نداشته باشند.

ماده ۳- اعتبار اصول

۱) مقررات بند ۱ و بند ۲، همچنین

اصولی که بر اساس بند ۳ ماده ۲ وضع شده است، مستقیماً در این موارد معتبراند.

ادارات دولت فدرال؛ مراجع برنامه ریزی مستقیم دولت فدرال؛ ارگانها، مؤسسات و بنیادهای حقوق عمومی مستقیم دولت فدرال، در چارچوب تکالیف مقرر شده برای آنها؛ هنگام برنامه ریزیها و سایر تدابیری که متضمن به کار بردن ملک (زمین و خاک) است یا توسعه فضایی یک منطقه از آن متأثر می شود (برنامه ریزیها و تدابیر دارای اهمیت فضایی).

۲) اصول ماده ۲ مستقیماً برای برنامه ریزی ایالتی در ایالات معتبر است. در ایالات برلین، برمن و هامبورگ، اصول بند ۱ ماده ۲ برای طرح ریزی های کاربری اراضی بر طبق ماده ۵ قانون ساختمان دولت فدرال، مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۶۰ معتبر است. تکالیف و صلاحیت های برنامه ریزی ایالتی بر طبق موازین حقوق ایالتی تعیین می شود که همچنین بر تأثیر برنامه ها و طرح ها بر طبق بند ۱ ماده ۵ روی سرمایه گذاری های دارای تأثیر بر فضا تسری می یابد. سایر مقررات حقوق ایالتی در مورد اعتبار اصول، تکالیف و صلاحیت های برنامه ریزی ایالتی دست نخورده می ماند.

۳) اصول بند ۱ و ۳ ماده ۲ در برابر آحاد اشخاص تأثیر حقوقی ندارد.

ماده ۴- تحقق یافتن اصول

۱) وزیر ذیصلاح دولت فدرال در امور آمایش سرزمین، بدون تضييع تکالیف و صلاحیت های ایالات، هم خود را بر تحقق مقررات ماده ۲، به ویژه از طریق همساز کردن برنامه ریزیها و تدابیر دارای اهمیت فضایی مطابق بند ۱ ماده ۳ به انضمام گزاردن سرمایه در امور دارای تأثیر فضایی، به کار می گیرد. او برنامه ریزیها و تدابیر فضایی دارای اهمیت فضایی را در ابعاد مکانی وسیع و بلندمدت بر طبق بند ۱ ماده ۳ به اجمال ترسیم می کند.

۲) دولت فدرال باید اهتمام ورزد تا

اشخاص حقوقی، حقوق خصوصی که دولت فدرال در آنها مشارکت دارد، در چارچوب تکالیف مقرر شده، مواد ۱ و ۲ را رعایت کنند.

۳) ایالات در چارچوب برنامه ریزی ایالتی (بند ۲ ماده ۳) تحقق مقررات ماده ۲ را به خصوص از طریق وضع برنامه ها و طرح ها مطابق ماده ۵، تأمین می کنند.

۴) ایالت ها باید هنگام تدابیر دارای اهمیت فضایی مراعات کنند که تحقق اصول در ایالات فدرال مجاور و در کشور آلمان فدرال در تمامیت آن دشوار نشود.

۵) ادارات دولت فدرال و ادارات ایالت ها، محل ها (جامعه های محلی، سکونتگاه ها) و اتحادیه های محل ها، مراجع برنامه ریزی رسمی (عمومی) و همچنین هیات ها، مؤسسات و بنیادهای حقوقی عمومی در چارچوب تکالیف مقرر شده، تحت نظر مستقیم دولت فدرال و زیر نظر ایالت ها باید برنامه ریزیها و تدابیر خود را بر هم تطبیق و بین خودشان همساز کنند. این امر پیش از همه، در مورد تدابیر مربوط به بهبود ساختاری کشاورزی و طرح هادی ساختمانی صدق می کند. ایالت ها، همکاری ادارات ایالتی ذیصلاح در آمایش سرزمین را هنگام همسازی تنظیم می کنند.

ماده ۵- آمایش سرزمین در ایالت ها

۱) ایالت ها برای منطقه خود برنامه ها یا طرح های فراگیر (بالادست، تفصیلی) جمع و مجمل وضع می کنند. وضع پاره برنامه ها و پاره طرح های فضایی و موضوعی مجاز است. ایالت های مناطق یاد شده در ماده ۲ بند ۱ شماره های ۳، ۴ و ۶ جمله های ۲ و ۳ را مشخص می کنند. برای این مناطق باید ضرورتاً پاره برنامه ها یا پاره طرح های فضایی یا موضوعی وضع شود. در ایالت های برلین، برمن و هامبورگ طرح کاربری زمین بر طبق ماده ۵ قانون ساختمان دولت فدرال جایگزین برنامه ها و طرح ها می شود.

۲) برنامه و طرح های مطابق بند ۱ باید،

بدون تضييع ساير مقررات حقوقى دولت فدرال و ايالتى، شامل آن هدف هاى آمائش سرزمين باشد كه از نظر فضاى و موضوعى براى تحقق اصول ماده ۲ ضرورى است. هنگام وضع هدف هاى آمائش سرزمين و برنامه ريزى ايالتى، بايد محل ها (جامعه هاى محلى، سكونتگاه ها) و اتحاديه هاى محل ها كه براى آن ها و ويژه تطبيق مقرر مى شود يا ادغامى از محل ها، مشاركت داده شوند. جزئيات توسط حقوق ايالتى معين مى گردد. ۳) وقتى كه براى قسمت هاى از فضاى ايالت برنامه ريزى منطقه اى مقتضى به نظر مى رسد، ايالت ها مبائى حقوقى اين برنامه ريزى را تدوين مى كنند. تا آن جا كه برنامه ريزى منطقه اى از طريق ادغام محل ها و اتحاديه هاى محل ها در جوامع منطقه اى برنامه ريزى (انجمن هاى برنامه ريزى منطقه اى) صورت نمى پذيرد، بايد محل ها و اتحاديه هاى محل ها يا ادغام آن ها، در يك روش (روال) ادارى مشاركت داده شوند؛ جزئيات توسط حقوق ايالتى معين مى شود. اگر برنامه ريزى منطقه اى وراى مرزهاى يك ايالت ضرورى باشد، ايالات ذيربط تدابير لازم را با تفاهم متقابل اتخاذ مى كنند. ۴) بايد به هدف هاى آمائش سرزمين و برنامه ريزى ايالتى از سوى مراجع نامبرده در بند ۵ ماده ۴، هنگام برنامه ريزى ها و همه تدابير ديگرى كه متضمن به كار بردن ملك و زمين است يا توسعه فضاى يك منطقه از آن ها متأثر مى شود، توجه كرد. بندهاى ۱ و ۲ ماده ۳ دست نخورده مى ماند.

ماده ۶- تطبيق تدابير خاص دولت فدرال ۱) هنگام اجراى پروژه هاى (طرح هاى) از جانب دولت فدرال يا مراجع مستقيم برنامه ريزى دولت فدرال، با مشخصات زير:

۱. كه تعيين هدف رسمى خاص آن ها جايگاه معين يا مسير معينى را ايجاب مى كند،
۲. اين كه بايد در قطعات زمين هاى

اجرا شوند كه طبق قانون تهيه زمين براى تكاليف دفاع مورخ ۲۳ فوريه ۱۹۵۷ كه توسط قانون مورخ ۲۳ دسامبر ۱۹۶۳ براى آخرين بار تغيير يافته، يا طبق قانون تحديد مالكيت زمين براى دفاع نظامى مورخ ۷ دسامبر ۱۹۵۶ به كار رفته اند،

۳. اين كه در مورد آن ها بايد روالى طبق قانون راه هاى دور كشورى در قالب مورخ ۶ اوت ۱۹۶۱، قانون راه آهن كشورى مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۵۱، قانون خطوط تلگراف مورخ ۱۸ دسامبر ۱۸۹۹، قانون حمل و نقل هواى در قالب مورخ ۱۰ ژانويه ۱۹۵۹ كه طبق قانون دوم براى امثريت حمل و نقل راه ها مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۶۴، براى آخرين بار تغيير يافته است، يا قانون حمل و نقل اشخاص مورخ ۲۱ مارس ۱۹۶۱ تصميم گرفته شود،

بند ۴ ماده ۵ فقط در صورتى اختيار دارد كه اداره ذيصلاح يا مرجع مستقيم برنامه ريزى دولت فدرال مشاركت داده شده و ظرف مدت مناسب مخالفت نكرده باشد.

- ۲) اگر هدف هاى آمائش سرزمين و برنامه ريزى ايالتى شامل دو مورد زير باشد، مخالفت مجاز است:
 ۱. با اصول ماده ۲ تطبيق نكند؛
 ۲. با تعيين هدف اجراى پروژه (طرح) هماهنگى نداشته باشد و نتوان اجراى پروژه را در عرصه مناسب ديگرى انجام داد.

در صورتى كه تغيير وضعيت امور موجب عدولى شود، اداره ذيصلاح يا مرجع مستقيم برنامه ريزى دولت فدرال مى تواند با موافقت اداره بالاتر ذيربط، ظرف مدت مناسب به اين بند استناد كند.

ماده ۷- ممانعت از برنامه ريزى و تدابير مغاير آمائش سرزمين ۱) اگر وضع، تغيير، تكميل يا لغو هدف هاى آمائش سرزمين و برنامه ريزى ايالتى آغاز شده است، در اين صورت اداره ذى صلاح ايالتى براى آمائش سرزمين مى تواند برنامه ريزى ها و تدابير داراى اهميت

فضائى را كه ادارات يا ساير مراجع در مفهوم بند ۵ ماده ۴ مدنظر دارند، براى مدت معينى قدغن كند؛ البته وقتى كه بيم آن رود كه اجراى هدف هاى آمائش سرزمين و برنامه ريزى ايالتى غير ممكن يا به طور اساسى دشوار مى شود. اين امر فقط براى آن دسته از برنامه ريزى ها و تدابيرى كه بر طبق ماده ۵ ممكن است مشمول تاثير حقوقى هدف هاى آمائش سرزمين و برنامه ريزى ايالتى بشوند، واجد اعتبار است.

- ۲) مخالفت و شكائت اعتراض آميز با بازدارندگى، تاثيرى در تعوين ندارد.
- ۳) جزئيات جبران خسارت ناشى از بازدارندگى را نيز ايالات تنظيم مى كنند. مجاز نيست كه حداكثر مدت بازدارندگى از دو سال فراتر رود.

ماده ۸- مشاوره مشترك ۱) درباره مسائل اصولى آمائش سرزمين و برنامه ريزى ايالتى و مسائل مورد ترديد بايد دولت فدرال و دولت ايالت ها به طور مشترك مشاوره كنند؛ به خصوص در مورد:

۱. ويژگى هاى تعيين مناطق طبق ماده ۲ بند ۱ شماره هاى ۳ و ۴ و جمله هاى ۲ و ۳ شماره ۶، همچنين تحديد اين مناطق طبق ماده ۵ بند ۱ جمله ۳،
۲. مسائل مورد ترديد هنگام كاربرد اصول طبق ماده ۲، هنگام برنامه ريزى ها و تدابير داراى اهميت اساسى فضاى دولت فدرال و ايالات،
۳. مسائل مورد ترديد هنگام همساز كردن برنامه ريزى ها و تدابير داراى اهميت فضاى (ماده ۴ بند ۵) و در مورد استحقاق مخالفت يكي از ادارات دولت فدرال يا يكي از مراجع مستقيم برنامه ريزى دولت فدرال در برابر برنامه ها يا طرح هاى آمائش سرزمين و برنامه ريزى ايالتى در ايالات (ماده ۶)،
۴. مسائل مورد ترديد ناشى از تحقق اصول در ايالات همجوار و در سرزمين آلمان فدرال در تماميت آن (ماده ۴ بند ۴).
- ۲) مشاوره مشترك طبق بند ۱ يا امکان

آن در برابری آغاز و اجزای روش های (زوال های) تنظیم شده قانونی، ایجاد مانع نمی کند. در صورتی که حقانیت مخالفتی طبق ماده ۶ باید مشاوره شود و ایالت یا محل، عرصه دیگری را برای طرح اجرایی مشخص کرده است، آن گاه می توان اجرای کاری را که مشاوره درباره آن انجام گرفته است، آغاز کرد. پس از گذشت ۳ ماه از اقامه مخالفت، مشاوره در مورد اجرایی شدن ندارد.

ماده ۹- شورای مشورتی برای آمایش سرزمین

۱) نزد وزیر ذیصلاح آمایش سرزمین دولت فدرال، تشکیل یک شورای مشورتی لازم است. تکلیف شورا، مشاوره با وزیر دولت فدرال در مسائل اصولی آمایش سرزمین است.

۲) وزیر دولت فدرال با مذاکره با اتحادیه های عالی ذیربط، در کنار نمایندگان خود فرمان محله ها (جامعه های محلی، سکونتگاه ها)، کارشناسی را به خصوص از حوزه های دانش، برنامه ریزی ایالتی، شهرسازی، اقتصاد، کشاورزی، جنگل داری، حفاظت محیط طبیعی و مراقبت چشم انداز، کنار فرمایان و کارگران، در شورا منصوب می کند.

ماده ۱۰- وظیفه گزارش و اطلاع

۱) ادارات دولت فدرال، مراجع مستقیم برنامه ریزی دولت فدرال و هیأت ها، مؤسسات و بنیادهای حقوق عمومی مستقیم دولت فدرال موظفند، اطلاعات لازم را به دولت فدرال بدهند. وزیر ذیصلاح آمایش سرزمین دولت فدرال به بالاترین ادارات ایالتی ذیصلاح آمایش سرزمین در مورد طرح های اجرایی دارای اهمیت اساسی برای دولت فدرال و مراجع برنامه ریزی مستقیم دولت فدرال، گزارش می دهد. تاجایی که سایر مقررات قانونی دولت فدرال، گزارش به بالاترین ادارات ایالتی ذیصلاح آمایش

سرزمین را پیش بینی می کنند، وظیفه گزارش دهی معتبر نیست.

۲) بالاترین ادارات ایالتی ذیصلاح آمایش سرزمین به وزیر ذیصلاح آمایش سرزمین دولت فدرال موارد زیر را اطلاع می دهد:

الف. برنامه ها و طرح های در شرف تدوین و مدون در ایالات خود،

ب. سایر تدابیر و تصمیمات برنامه ریزی ایالتی دارای اهمیت اساسی مدنظر یا اتخاذ شده.

۳) ایالت ها، محتوا و حجم و وظیفه گزارش و اطلاع در مورد برنامه ریزی ها و تدابیر مدنظر را، تاجایی که برای برنامه ریزی ایالتی اهمیت دارد یا می تواند اهمیت یابد، تنظیم می کنند. این امر، بدون تصویب مقررات قانونی دولت فدرال در جای دیگر، در مورد طرح های اجرایی نامبرده در بند ۱ جمله ۲ معتبر نیست.

۴) دولت فدرال و ایالات موظفند، کلیه اطلاعاتی را که برای اجرای تکالیف آمایش سرزمین و برنامه ریزی ایالتی ضرورت دارد، متقابلاً به یکدیگر بدهند. سایر مقررات قراردادی دست نخورده می مانند.

ماده ۱۱- گزارش به مجلس نمایندگان فدرال آلمان

دولت فدرال آلمان در فاصله هر چهار سال یکبار، گزارشی که نخستین بار آن در سال ۱۹۶۶ است، در موارد زیر به مجلس نمایندگان آلمان می دهد:

۱. واقعیاتی که باید هنگام توسعه فضایی کشور آلمان فدرال اساس قرار داده شود (ضبط وضع موجود، گرایش های توسعه ای)،

۲. تأثیرات قراردادهای بین دولتی بر توسعه فضایی کشور آلمان فدرال، به ویژه بر ساختار منطقه ای اقتصاد آن،

۳. تدابیر اجرا شده و برنامه ریزی شده در چارچوب توسعه فضایی مطلوب.

گزارش بعدی باید در سال ۱۹۷۸ تقدیم

مجلس شورای ملی فدرال آلمان شود.

ماده ۱۲- اعتبار در ایالت برلن

این قانون طبق موازین بند ۱ ماده ۱۳ قانون (مرحله) انتقالی سوم مورخ ۴ ژانویه ۱۹۵۲ در ایالت برلن نیز معتبر است.

ماده ۱۳- به اجرا در آمدن

این قانون روز پس از اعلام آن مورد اجرا قرار می گیرد.

ب) قانون آمایش سرزمین آلمان

متن مصوب بیست و هشتم آوریل ۱۹۹۳ با تغییرات سال ۱۹۹۴

ماده ۱- تکالیف و رهنمودهای آمایش سرزمین

۱) ساختار فضای کل جمهوری فدرال آلمان را باید با مراعات داده های طبیعی، رشد جمعیت و همچنین مقتضیات اقتصادی، زیرساختی، اجتماعی و فرهنگی و با رعایت رهنمودهای زیر، آن چنان توسعه دهیم که:

۱. به شکوفایی آزاد شخصیت انسان در جامعه به بهترین وجه کمک کند.

۲. نگهداری، رسیدگی و گسترش بنیادهای طبیعی زیست را تأمین کند.

۳. امکانات شکل دهی کاربری فضا را به طور بلندمدت باز بگذارد.

۴. شرایط زیستی یکسان انسان ها در همه تقسیمات فضایی عرضه شود، یا بدان بینجامد.

۲) ارتباط فضایی بین مناطقی که تا ایجاد وحدت آلمان از آن جدا شده بودند، باید رعایت شود و بهبود یابد.

۳) آمایش سرزمین باید در سرزمین فدرال پیش شرط های فضایی را برای همکاری در اروپا ایجاد کند و آن را تقویت نماید.

۴) سامان دهی تقسیمات فضایی (واحدهای کوچک جغرافیایی) باید خود را در چارچوب سامان دهی فضای کل تطبیق دهد. سامان دهی فضای کل نیز باید داده ها

و مقتضیات خود را در نظر گیرد.

ماده ۲- اصول آمایش سرزمین:

۱) اصول آمایش سرزمین عبارتند از:

۱. ساختار فضای کل باید با وضعیت متوازنی از فضاهای متراکم و مناطق روستایی توسعه داده شود. همبستگی میان تقسیمات فضایی باید بهبود یابد و تقویت گردد.

۲. ساختار فضایی مناطق باید با شرایط زیستی سالم، به ویژه با وضعیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اکولوژیکی متوازن تأمین شود و توسعه آن ها گسترش یابد. در مناطقی که در آن ها چنین ساختاری موجود نیست، باید گام هایی برای بهبود ساختار آن ها برداشته شود. آبادانی و به کارگیری با خدمات رسانی شبکه حمل و نقل و تأمین و تدارک نیازمندی ها و خدمات پاکسازی محیط را باید با توسعه مورد نظر هماهنگ کرد. در فاصله ای که در حد توقع مردم ساکن باشد، باید مکان های مرکزی با تأسیسات مربوطه تقویت شوند.

۳. در مناطقی که در آن ها شرایط زیستی در تمامیت آن نسبت به میانگین آلمان فدرال به طور اساسی عقب مانده است، یا بیچین عقب ماندگی می رود، باید شرایط زیستی مردم، به ویژه فرصت های شغلی، وضعیت های مسکونی، شرایط زیست محیطی، همچنین تأسیسات ارتباطی، خدمات رسانی تأمین و تدارک نیازمندی ها، تأسیسات پاکسازی محیط، عموماً بهبود یابند و از پیشرفت های فناورانه باید هر چه پیش تر استفاده کرد.

۴. نیروهای کارایی مناطقی را که در ماده سوم پیمان وحدت (آلمان غربی و آلمان شرقی) نام برده شده اند، به ویژه مناطق مرزی آن، باید با این هدف تحکیم بخشید که در همه بخش های آن شرایط زیستی و ساختار اقتصادی و اجتماعی به گونه ای برپا شوند که با شرایط دیگر بخش های کشور آلمان فدرال یکسان باشند.

۵. در فضاهای متراکم با شرایط فضایی سالم زیست، همچنین ساختار متوازن

اقتصادی و اجتماعی، باید این شرایط و ساختارها و نیز کارکردهای این فضاها به عنوان مراکز سکونت، اقتصاد و خدمات تأمین شوند.

تا آن جا که در فضاهای متراکم، از طریق آلودگی های هوا، آلودگی های صوتی، فشار بیش از حد بر شبکه حمل و نقل و سایر اثرات زیان آور متراکم، شرایط زیستی ناسالم یا ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نامتوازن وجود دارد یا بیم پیدایش آن ها می رود، باید تدابیری برای بهبود ساختاری اتخاذ گردد.

این تدابیر باید بخش های فضای پیرامونی این فضاهای متراکم را نیز در برگیرند. به ویژه باید بر بهبود وضعیت های ارتباطی و مسکونی و بر تکمیل تأسیسات خدماتی و سایر تأسیسات تأمین و تدارک نیازمندی ها و تأسیسات پاکسازی محیط اهتمام ورزید.

فضاهای آزاد برای تفریحگاه های نزدیک و برای توازن اکولوژیکی باید تأمین شود. نوع و گستره این تدابیر نباید به تحقق اصول شماره ۱ تا ۳ و ۶ در سایر مناطق آسیب برساند.

۶. در مناطق روستایی باید تلاش شود تا تراکم کافی جمعیت فراهم آید و ساختار آبادی های پدیده آمد در طول تاریخ تا حد امکان حفظ شود. همچنین، بر تجهیز مناسب با تأسیسات خدماتی، حمل و نقل عمومی و سایر تأسیسات تأمین و تدارک نیازمندی ها حتی به هنگام روند رو به کاهش جمعیت باید اهتمام ورزید. توان کارایی اقتصادی با فرصت های آموزشی و شغلی دارای درآمد مکفی با کیفیت بالا، علاوه بر فعالیت های کشاورزی و جنگل داری در فعالیت های دیگر نیز فراهم آید.

کارکردهای این فضاها به عنوان جایگاه تولید کشاورزی و جنگل داری، به عنوان جایگاه مسکن و اقتصاد و همچنین به عنوان مناطق تفریحگاهی و تعطیلاتی در طبیعت باید تأمین و بهبود یابد. برای نگهداری و توانمندسازی کارکردهای اکولوژیکی باید مراقبت به عمل آید.

۷. پیش شرط هایی باید ایجاد و تأمین کرد تا کاربری زمین برای کشت و کار و ایجاد جنگل در بخش کشاورزی، همچون یک شاخه اقتصادی کارآمد با ساختار دهقانی، حفظ شود و به همراه یک جنگل داری کارآمد کمک کند تا بتوان مبانی زیست محیطی را حراست کرد و چشم انداز فرهنگی را نگهداری و شکل داد.

از کشاورزی دهقانی یکپارچه، باید به طور احصا حراست کرد و آن را بر شکل های دیگری که در کشاورزی اعمال می شود، رجحان داد. زمین هایی را که به خوبی برای کاربری کشاورزی و جنگل داری مناسب است، باید در گستره کافی نگهداری کرد. به هنگام تغییر کاربری زمین باید در پی کاربری هایی بود که از نظر اکولوژیکی سازگارند.

۸. برای حراست، رسیدگی و توسعه طبیعت و کشاورزی، به ویژه تدبیر طبیعت، آب و هوا، جانوران و گیاهان همچنین جنگل، برای حفاظت خاک و آب، برای پاکیزه نگه داشتن هوا، همچنین تأمین خدمات آبرسانی، برای احتراز و پاکسازی فاضلاب و زباله ها و برای حراست عموم مردم در برابر صدا (مزاحمت های صوتی) باید اقدام شود. در این کار باید تأثیرات متقابل مربوطه را نیز در نظر گرفت. برای به کارگیری مقتصدانه و مراقبت آمیز از مواهب طبیعی، به ویژه آب، زمین و خاک باید اقدام شود.

۹. مقتضیات تأمین پیش نگرانه و همچنین اکتشاف و استخراج مرتب معادن مواد خام باید در نظر گرفته شود.

۱۰. مقتضیات دفاع غیر نظامی و نظامی باید مورد توجه قرار گیرد.

۱۱. همستگی میهنی و همچنین ارتباط های تاریخی و فرهنگی باید مراعات شوند. به یادگارهای (آثار) فرهنگی و طبیعی باید ارجح نهاد و در نگهداری از آن ها کوشید.

۱۲. نیاز انسان ها به تفریح و استراحت در طبیعت و چشم انداز (ساخته بشر) و به

زمان فراغت و ورزش باید به وسیله تأمین و شکل دهی سازگار یا محیط زیست، فضاها و جایگاه های مناسب در نظر گرفته شوند.

۱۳. نسبت به نیاز مبرم مردم، یعنی مسکن، باید توجه خاص مبذول داشت. به هنگام مکان گزینی مناطقی که در آنها نباید محل های کار ایجاد شود، باید نیاز مسکن مردمی که احتمالاً در آن جا کار خواهند کرد، مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه باید به برقراری ارتباط کارکردی مؤثر این مناطق با مناطق مسکونی اهتمام ورزید.

۱۴. ایالت ها می توانند اصول پیش تری را وضع کنند؛ البته تا حدی که با بند ۱ و ماده ۱ تعارض نداشته باشند.

۱۵. اصول را می باید مقامات مذکور در ماده ۳، در چارچوب موازین مربوط به آنها در برابر یکدیگر و بین یکدیگر طبق معیار ماده یک بسنجند.

ماده ۳- اعتبار اصول

۱) مقررات بنده ۱ و بنده ۳ ماده ۲ و همچنین اصولی که براساس بند ۲ ماده ۲ وضع شده اند، برای ادارات دولت فدرال، مراجع برنامه ریزی مستقیم دولت فدرال و برای ارگان ها، مؤسسات و بنیادهای حقوق عمومی مستقیم دولت فدرال، در چارچوب تکالیف مقرر شده برای آنها، هنگام برنامه ریزی ها و سایر تدابیری که متضمن به کاربردن ملک (زمین و خاک) است یا توسعه فضایی یک منطقه از آنها متأثر می شود (برنامه ریزی ها و تدابیر دارای اهمیت فضایی)، مستقیماً معتبر هستند.

۲) اصول ماده ۲ مستقیماً برای برنامه ریزی ایالتی، در ایالت ها معتبر است. در ایالت های برلن، برمن و هامبورگ اصول بند ۱ ماده ۲ برای طرح ریزی های کاربری اراضی بر طبق ماده ۵ قانون ساختمان معتبر است. تکالیف و صلاحیت های برنامه ریزی ایالتی طبق حقوقی ایالتی تعیین می شوند که همچنین بر تأثیر برنامه ها و طرح ها بر طبق بند ۱ ماده ۵، روی

سرمایه گذاری های دارای تأثیر بر فضا تسری می یابد. سایر مقررات حقوق ایالتی در مورد اعتبار اصول، تکالیف و صلاحیت های برنامه ریزی ایالتی دست نخورده می ماند.

ماده ۴- تحقق یافتن اصول

۱) وزیر فیصلح دولت فدرال در امور آمایش سرزمین، بدون تضییع تکالیف و صلاحیت های ایالت ها، هم خود را بر تحقق مقررات ماده ۲ به خصوص از طریق همساز کردن برنامه ریزی ها و تدابیر دارای اهمیت فضایی، مطابق بند ۱ ماده ۳، به انضمام گزاردن سرمایه گذاری در امور دارای تأثیر فضایی، به کار می گیرد. او برنامه ریزی ها و تدابیر دارای اهمیت فضایی را در ابعاد مکانی وسیع و بلندمدت بر طبق بند ۱ ماده ۳ به اجمال ترسیم می کند.

۲) دولت فدرال باید اهتمام ورزد تا اشخاص حقوقی، حقوق خصوصی را که دولت فدرال در آنها مشارکت دارد، در چارچوب تکالیف مقرر شده در مواد ۱ و ۲ رعایت کنند.

۳) ایالت ها در چارچوب برنامه ریزی ایالتی (بند ۲ ماده ۳)، تحقق مقررات ماده ۲ را به خصوص از طریق وضع برنامه ها و طرح ها مطابق ماده ۵ تأمین می کنند.

۴) ایالت ها باید هنگام تدابیر دارای اهمیت فضایی، مراعات کنند که تحقق اصول در ایالت های فدرال مجاور و در کشور آلمان فدرال در تمامیت آن دشوار نشود.

۵) ادارات دولت فدرال و ادارات ایالت ها، محل ها (جامعه های محلی، سکونتگاه ها) و اتحادیه های محل ها، مراجع برنامه ریزی رسمی (عموم)، همچنین هیأت ها، مؤسسات و بنیادهای حقوق عمومی در چارچوب تکالیف مقرر شده تحت نظر مستقیم دولت فدرال و زیر نظر ایالات باید برنامه ریزی ها و تدابیر خود را برهم تطبیق و بین خودشان همساز کنند. این

امریض از همه در مورد تدابیر مربوط به اصلاح ساختار کشاورزی و طرح هادی ساختمانی صدق می کند. ایالت ها، همکاری ادارات ایالتی فیصلح در آمایش سرزمین را در هنگام همسازي تنظیم می کنند.

۶) هنگام برنامه ریزی ها و تدابیری که بر کشورهای همسایه تأثیر می گذارند، باید نسبت به گزارش و همساز کردن تدابیر برنامه ریزی شده، به طور متقابل مراقبت به عمل آید.

ماده ۵- آمایش سرزمین در ایالات

۱) ایالت ها برای منطقه خود برنامه ها یا طرح های فراگیر (= بالادست = تفصیلی) جمع و مجمل وضع می کنند. وضع پاره برنامه ها و پاره طرح های فضایی و موضوعی مجاز است. ایالات مناطق نامبرده در ماده ۲ بند ۱، شماره های ۳ و ۴ و ۵ جمله ۲ را مشخص می کنند. برای این مناطق باید ضرورتاً پاره برنامه ها یا پاره طرح های فضایی یا موضوعی وضع شد. در ایالت های برلن، برمن و هامبورگ طرح کاربری زمین بر طبق ماده ۵ قانون ساختمان دولت فدرال، جایگزین برنامه ها و طرح ها می شود؛ حق وضع برنامه ها و طرح ها مطابق جمله های ۱ و ۲، دست نخورده باقی می ماند.

۲) برنامه و طرح های مطابق بند ۱ باید بدون تضییع سایر مقررات حقوقی دولت فدرال و ایالتی، شامل آن هدف های آمایش سرزمین باشد که از نظر فضایی و موضوعی برای تحقق اصول ماده ۲ ضروری است. هنگام وضع هدف های آمایش سرزمین و برنامه ریزی ایالتی باید محل ها (جامعه های محلی، سکونتگاه ها) و اتحادیه های محل ها که برای آنها وظیفه تطبیق مقرر می شود یا ادغامی از محل ها، مشارکت داده شود، جزئیات توسط حقوق ایالتی معین می شود.

۳) ایالت ها برای برنامه ریزی منطقه ای مبانی حقوقی ایجاد می کنند؛ البته هنگامی که این امر برای قسمت هایی از فضای ایالتی

مقتضی به نظر می‌رسد. تا آن‌جا که برنامه‌ریزی منطقه‌ای از طریق ادغام (یکپارچه کردن) محل‌ها و اتحادیه‌های محل‌ها در جوامع منطقه‌ای برنامه‌ریزی (انجمن‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای) صورت نمی‌پذیرد، باید محل‌ها و اتحادیه‌های محل‌ها یا ادغام آن‌ها در یک روال اداری مشارکت داده شوند؛ جزئیات آن توسعه حقوق ایالتی معین می‌شود. اگر برنامه‌ریزی منطقه‌ای ورای مرزهای یک ایالت ضروری باشد، ایالات ذریعۀ تدابیر لازم را با هم تفاهم متقابل اتخاذ می‌کنند.

۴) باید به هدف‌های آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی ایالتی از سوی مراجع یاد شده در بند ۵ ماده ۴ هنگام برنامه‌ریزی‌ها و کلیه تدابیر دیگری که متضمن به کار بردن ملک و زمین است یا توسعه فضایی یک منطقه از آن‌ها متأثر می‌شود، توجه شود. بندهای ۱ و ۲ ماده ۳ دست‌نخورده می‌ماند.

۵) ایالت‌ها، برای روشی جهت عدول از هدف‌های آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی ایالتی، مبانی حقوقی ایجاد می‌کنند. تا ایجاد مبانی حقوقی، اداره برنامه‌ریزی ایالتی ذیصلاح می‌تواند، در توافق با دوایر تخصصی ذریعۀ و مذاکره با محل‌های (جامعه‌های محلی) ذی‌مدخل در مواردی، در صورتی که آن عدول در چارچوب دیدگاه‌های آمایش سرزمینی پذیرفتنی باشند و خطوط اصلی برنامه‌ریزی دست‌نخورده بماند، آن‌ها را مجاز اعلام کند.

ماده ۶- تطبیق تدابیر خاص کشوری (دولت فدرال)

۱) هنگام اجرای پروژه‌هایی (طرح‌هایی) از جانب دولت فدرال یا مراجع مستقیم برنامه‌ریزی دولت فدرال، الف) که تعیین هدف رسمی خاص آن‌ها جایگاه معین یا مسیر معینی را ایجاد می‌کند، یا

ب) این که باید در قطعات زمین‌هایی اجرا کرد که طبق قانون تهیه زمین یا قانون

حزیم استحقاقی به کار رفته است، یا ج) این که در مورد آن‌ها باید در روشی (روالی) طبق قانون راه‌های دور کشوری، قانون عمومی راه‌آهن کشوری، قانون برنامه‌ریزی قطار مغناطیسی، قانون شبکه راه‌های آبی فدرال، قانون خطوط تلگراف، قانون حمل و نقل هوایی، یا قانون حمل و نقل اشخاص تصمصم گرفته شود، بند ۴ ماده ۵ فقط در صورتی اعتبار دارد که اداره ذیصلاح یا مرجع مستقیم برنامه‌ریزی دولت فدرال مشارکت داده شده و در ظرف مدت مناسب مخالفت نکرده است.

۲) مخالفت مجاز است، اگر هدف‌های آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی ایالتی

۱. با اصول ماده ۲ تطبیق نکند، یا
۲. با تعیین هدف اجرای پروژه (= طرح) هماهنگی نداشته باشد و نتوان اجرای طرح را در جای مناسب دیگری انجام داد.

در صورتی که تفسیر وضعیت امور موجب عدولی شود، اداره ذیصلاح یا مرجع مستقیم برنامه‌ریزی دولت فدرال می‌تواند با موافقت اداره بالاتر ذریعۀ ظرف مدت مناسب به این بند استناد کند.

ماده ۶ الف- روش آمایش سرزمین

۱) ایالت‌ها مبانی حقوقی روشی را فراهم می‌کنند که در آن، برنامه‌ریزی‌ها و تدابیر دارای اهمیت فضایی بین خودشان و با مقتضیات آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی ایالتی هماهنگ (همساز) می‌شوند (روش آمایش سرزمین). با روش آمایش سرزمین محرز می‌شود که:

۱. آیا برنامه‌ریزی و تدابیر دارای اهمیت فضایی با مقتضیات آمایش سرزمین مطابقت دارند؟

۲. چگونه برنامه‌ریزی‌ها و تدابیر می‌توانند در چارچوب دیدگاه‌های آمایش سرزمین با یکدیگر تطبیق داده شوند و یا به اجرا درآیند؟

در روش آمایش سرزمین، باید اثرات دارای اهمیت فضایی برنامه‌ریزی یا تدابیر را

بر مواردی که زیر ماده ۲ یاد شده است، در چارچوب دیدگاه‌های فرامحلی بررسی کرد. احراز طبق جمله ۲، نظارت بر امکانات دیگر جایگاه‌ها یا مسیرهایی که از سوی مرجع برنامه‌ریزی و تدبیر فراهم شده‌اند را دربرمی‌گیرد.

۲) دولت مرکزی فدرال (آلمان) از طریق آئین‌نامه حقوقی با توافق مجلس نمایندگان ایالت‌ها، پروژه‌هایی (طرح‌هایی) را تعیین می‌کنند که باید در مورد آن‌ها (در صورتی که آن‌ها در موردی دارای اهمیت فضایی و واجد اهمیت فرامحلی باشند) روش آمایش سرزمین اجرا شود.

۳) وقتی که رعایت مقتضیات آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی ایالتی به گونه دیگری تضمین شود، از آمایش سرزمین می‌توان چشم‌پوشی کرد. این امر به طور اخص معتبر است. این موارد شامل وقتی است که پروژه:

۱. از نظر مکانی و موضوعی به حد کافی با هدف‌های معین آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی ایالتی سازگاری (مطابقت) یا ناسازگاری (مخالفت) دارد، یا

۲. با الزامات قانونی برای تعیین یک برنامه‌ریزی آبادانی، در مفهوم بند ۱ ماده ۳۰ کتاب قانون ساختمان که متناسب با یکی از هدف‌های آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی ایالتی است، سازگاری (مطابقت) یا ناسازگاری (مخالفت) دارد و قابلیت پذیرش این پروژه مطابق با مقررات مندرج در ماده ۳۸ کتاب قانون ساختمان تعیین نشده است، یا

۳. در یکی از روش‌های همساز کردن قانونی با مشارکت اداره برنامه‌ریزی ایالتی تصریح شده است.

۴) ایالت‌ها دریافت اطلاعات لازم برای برنامه‌ریزی یا تدبیر را تنظیم می‌کنند.

۵) به مقامات (ادارات) یاد شده در بند ۵ ماده ۴ باید گزارش کرد و آن‌ها را مشارکت داد. در رابطه با پروژه‌های دولت فدرال یا مراجع مستقیم برنامه‌ریزی، باید در مذاکره

با مقام (اداره) ذیربط، درباره آغاز به کارگیری روشی برای آمایش سرزمین تصمیم گیری شود.

۶) در رابطه با پروژه های دفاع نظامی، وزیر ذیربط یا مقام منصوب او و در رابطه با پروژه های دفاع غیرنظامی مقام ذیربط، درباره نوع و گستره اطلاعات برای برنامه ریزی یا تدبیر، تصمیم می گیرد.

۷) ایالات می توانند، مداخله مردم و میزان آن را تنظیم کنند. در رابطه با پروژه های موضوع بند ۶، مقامات یاد شده در آن بند درباره لزوم مداخله مردم (صوم) و میزان آن تصمیم می گیرند.

۸) درباره ضرورت، آغاز به کارگیری روش آمایش سرزمین، باید ظرف مدت چهار هفته پس از تسلیم مدارک لازم تصمیم گیری شود. روش آمایش سرزمین را باید پس از ارائه مدارک کامل ظرف مدت شش ماه به پایان رساند.

۹) نتیجه روش آمایش سرزمین باید از سوی ادارات یاد شده در بند ۵ ماده ۴ در رابطه با برنامه ریزی ها و تدابیر دارای اهمیت فضایی که موضوع داوری روش آمایش سرزمین می شوند، همچنین در مورد مجوزها، تثبیت برنامه ها و سایر تصمیمات اداری درباره مجاز بودن پروژه بر طبق موازین مقرراتی که برای آن معتبر است، رعایت شود. وظیفه در نظرگیری هدف های آمایش سرزمین و برنامه ریزی ایالتی، مطابق بند ۴ ماده ۵ دست نخورده می ماند. برای روند شکل گیری طرح های ساختمانی نتیجه روش آمایش سرزمین باید طبق بند ۵ و ۶ ماده ۱ و کتاب قانون ساختمان، مورد سنجش قرار گیرد. تطابق طرح های ساختمانی تنها تابع بند ۴ ماده ۱ کتاب قانون ساختمان است.

۱۰) نتیجه روش آمایش سرزمین در برابر مرجع پروژه و در برابر افراد، اثر مستقیم حقوقی ندارد. مجوزها، تثبیت برنامه ها یا سایر تصمیمات طبق سایر مقررات حقوقی را نمی توان با این نتیجه جایگزین کرد. انجام رعایت های یاد شده

در بند ۹ دست نخورده می ماند.

۱۱) برای ایالت های برلین، برمن و هامبورگ التزامی طبق جمله ۱ بند ۱ وجود ندارد. در صورتی که این ایالت ها مبنای حقوقی برای روش آمایش سرزمین فراهم کنند بندهای ۱ تا ۱۰ اعمال می شوند.

۱۲) در ایالت های براندنبورگ، مکلنبورگ - فریومرن، زکسن، زاکسن - آنهالت و تورینگن می توان تا سی ام آوریل ۱۹۹۸ از روش آمایش سرزمین در مواردی چشم پوشید، در صورتی که با روش آمایش سرزمین سرمایه گذاری مهمی به گونه ای نامناسب تأخیر بیفتد.

ماده ۷- ممانعت از برنامه ریزی و تدابیر مغایر آمایش سرزمین

۱) وقتی که بیسم آن رود که اجرای هدف های آمایش سرزمین و برنامه ریزی ایالتی غیرممکن یا به طور اساسی دشوار می شود، و در عین حال وضع، تغییر، تکمیل یا لغو هدف های آمایش سرزمین و برنامه ریزی ایالتی آغاز شده است، در این صورت اداره ذیصلاح ایالتی برای آمایش سرزمین می تواند، برنامه ریزی ها و تدابیر دارای اهمیت فضایی را که ادارات یا سایر مراجع در مفهوم بند ۵ ماده ۴ مدنظر دارند، برای مدت معینی قذغن کند. این امر فقط برای برنامه ریزی ها و تدابیری که بر طبق ماده ۵ ممکن است مشمول تأثیر حقوقی هدف های آمایش سرزمین و برنامه ریزی ایالتی بشود، واجد اعتبار است.

۲) مخالفت و شکایت اعتراض آمیز یا بازدارندگی تأثیری در تعویق ندارد.

۳) جزئیات جبران خسارت ناشی از بازدارندگی را نیز ایالت ها تنظیم می کنند. مجاز نیست، حداکثر مدت بازدارندگی از دو سال فراتر رود.

ماده ۸- مشاوره مشترک

۱) مسائل اصولی آمایش سرزمین و برنامه ریزی ایالتی و مسائل مورد تردید باید

از سوی دولت فدرال و دولت ایالت ها به طور مشترک مشاوره شود؛ به خصوص از این جمله است:

۱. ویژگی های تعیین مناطق طبق ماده ۲ بند ۱ شماره ۳ و جمله های ۲، و همچنین تحدید این مناطق طبق ماده بند ۱ جمله ۳.

۲. مسائل مورد تردید، هنگام کلوبرد اصول طبق ماده ۲، هنگام برنامه ریزی ها و تدابیر دارای اهمیت اساسی فضایی دولت فدرال و ایالات.

۳. مسائل مورد تردید هنگام همساز کردن برنامه ریزی ها و تدابیر دارای اهمیت فضایی (ماده ۴ بند ۵) و در مورد استحقاق مخالفت یکی از ادارات دولت فدرال یا یکی از مراجع مستقیم برنامه ریزی دولت فدرال در برابر برنامه ها یا طرح های آمایش سرزمین و برنامه ریزی ایالتی در ایالت ها (ماده ۶).

۴. مسائل مورد تردید ناشی از تحقق اصول در ایالت های همجوار و در سرزمین آلمان فدرال در تمامیت آن (ماده بند ۴).

۵) مشاوره مشترک طبق بند ۱ یا امکان آن در برابر آغاز و اجرای روش های (روال های) تنظیم شده قانونی، ایجاد مانع نمی کند. در صورتی که درباره حقانیت مخالفتی طبق ماده ۶ باید مشاوره شود و ایالت یا محل، عرصه دیگری را برای پروژه (طرح) اجرایی مشخص کرده است، آن گاه می توان اجرای پروژه ای را پس از انجام مشاوره آغاز کرد. پس از گذشت ۳ ماه از اقامه مخالفت، مشاوره برای اجرا مانعی ندارد.

ماده ۹- شورای مشورتی برای آمایش سرزمین

۱) نزد وزیر ذیصلاح آمایش سرزمین دولت فدرال تشکیل یک شورای مشورتی لازم است. تکلیف شورا مشاوره با وزیر دولت فدرال در مسائل اصولی آمایش سرزمین است.

۲) وزیر دولت فدرال از طریق مذاکره با اتحادیه های عالی ذیربط در کنار نمایندگان

«خودفرمان» محل ها (جامعه های محلی، سکونتگاه ها)، کارشناسی را به خصوص از حوزه های دانش، برنامه ریزی ایالتی، شهرسازی، اقتصاد، کشاورزی، جنگل داری، حفاظت محیط طبیعی و مراقبت چشم انداز، کارفرمایان، کارگران و ورزش، در شورا منصوب می کند.

ماده ۱۰- وظیفه گزارش و اطلاع

۱) ادارات دولت فدرال، مراجع مستقیم برنامه ریزی دولت فدرال و هیأت های مؤسسات و بنیادهای حقوق عمومی مستقیم دولت فدرال موظفند، اطلاعات لازم را به دولت فدرال بدهند. وزیر ذیصلاح آمایش سرزمین دولت فدرال به بالاترین ادارات ایالتی ذیصلاح آمایش سرزمین در مورد طرح های اجرایی دارای اهمیت اساسی برای دولت فدرال و مراجع برنامه ریزی مستقیم دولت فدرال، گزارش می دهد. وظیفه گزارش دهی، تا جایی که سایر مقررات قانونی دولت فدرال گزارش به بالاترین ادارات ایالتی ذیصلاح سرزمین را پیش بینی می کنند، معتبر نیست.

۲) بالاترین ادارات ایالتی ذیصلاح آمایش سرزمین به وزیر ذیصلاح آمایش سرزمین دولت فدرال موارد زیر را اطلاع می دهند:

۱. برنامه ها و طرح های در شرف تدوین و مدون در ایالات خود.

۲. سایر تدابیر و تصمیمات برنامه ریزی ایالتی دارای اهمیت اساسی مدنظر یا متخذ.

۳) ایالات محتوا و حجم وظیفه گزارش و اطلاع در مورد برنامه ریزی ها و تدابیر مدنظر را تا جایی که برای برنامه ریزی ایالتی اهمیت دارد یا می تواند اهمیت یابد، تنظیم می کنند. این امر بدون تضییع مقررات قانونی دولت فدرال در جای دیگر، در مورد طرح های اجرایی نامبرده بند ۱ جمله ۲، معتبر نیست.

۴) دولت فدرال و ایالات موظفند، کلیه اطلاعاتی را که جهت اجرای تکالیف آمایش

سرزمین و برنامه ریزی ایالتی ضرورت دارد، متقابلاً به یکدیگر بدهند. سایر مقررات قراردادی دست نخورده باقی می ماند.

ماده ۱۱- گزارش به مجلس نمایندگان فدرال آلمان

دولت فدرال آلمان در فاصله هر چهار سال یک بار، گزارشی را که نخستین بار آن در سال ۱۹۶۶ است، در موارد زیر به مجلس نمایندگان آلمان می دهد:

۱. واقعیاتی که باید هنگام توسعه فضایی کشور آلمان فدرال اساس قرار داده شود (مبسوط و وضع موجود، گرایش های توسعه ای).

۲. تأثیرات قراردادهای بین دولتی بر توسعه فضایی کشور آلمان فدرال، به ویژه بر ساختار منطقه ای اقتصاد آن.

۳. تدابیر اجرا شده و برنامه ریزی شده در چارچوب توسعه فضایی مطلوب.

ماده ۱۲- تنظیمات مرحله انتقالی به مناسبت برقراری وحدت آلمان:

در مناطقی که در ماده سوم قرارداد وحدت آلمان یاد شده اند، این قانون با موازین زیر باید اعمال شود.

۱. ماده ۲ بند ۱ شماره ۷ زیر بند ۲ را باید با توجه به متن زیر به کار بست:

«از کشاورزی دهقانی یکپارچه باید به طور اخص حراست کرد. واحد بهره برداری تک دهقانی و واحد بهره برداری کشاورزی شخص حقوقی به صورت متساوی الحاق در کنار هم قرار دارند. زمین هایی را که به خوبی برای کاربری کشاورزی و جنگل داری مناسب هستند، باید در گستره کافی نگهداری کرد. به هنگام تغییر کاربری زمین، باید در پی کاربری هایی که از نظر اکولوژیکی سازگارند، بود.»

۲. مواد ۲ و ۳ قانون راجع به اجرای قانون آمایش سرزمین جمهوری فدرال آلمان در جمهوری دموکراتیک آلمان مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۹۰، کماکان اعمال می شود.

ماده ۱۲- (مجوز اعلام)
ماده ۱۳- به اجرا در آمدن ۱.
(ادامه دارد)

پاداشت ها

۱. متن قانون (اول) آمایش سرزمین کشور آلمان فدرال (آلمسان غمریسی) (مصوب ۱۹۶۵/۴/۸ (BGBl. IS 306) که در تاریخ ۱۹۶۵/۴/۲۲ به اجرا درآمد، با تغییرات مورخ ۱۰/۸/۱۹۷۶ در ماده ۱۱ قانون تسلسل منسکسور (BGBl. IS 2127) مسروح ۲۰/۱۲/۱۹۷۶ جمله اول شماره ۷ بند ۱ ماده ۲ قانون مذکور از طریق قانون حفظ محیط زیست فدرال (BGBl. IS 3574) مورخ ۱/۶/۱۹۸۰ با افزودن جمله دوم در شماره ۸ بند ۱ ماده ۲ از طریق قانون جهت رعایت حراست و حفاظت آثار تاریخی در حقوق فدرال (BGBl. IS 649)، برای اطلاع از تجارت جمهوری فدرال آلمان ترجمه شده است و در این جا تنها برای مقایسه نحرولات آن پس از وحدت جو آلمان به سال ۱۹۸۹ آورده می شود. رک:

W. Bielenberg, W. Erbguth: & W. Soefker, Raumordnungs- und Landesplanungsrecht des Bundes und der Länder, Bd. I, (RL. I.3 Lfg. II, IX 1970, 1980. Raumordnungsgesetz des Bundes B 105, S. 1-7).

2. Raumordnungsgesetz (ROG): In der Fassung der Bekanntmachung vom 28. April 1993, (BGBl. I S. 630), geändert durch Art. 6 Abs. 33 Eisenbahnneuordnung G - ENeuOG - v. 27. 12. 1993 (BGBl. I S. 2378) und Art. 2 MagnetschwebbahnplanungG v. 23. 11. 1994 (BGBl. IS. 3486) BGBl. III 2300-1
3. Brandenburg
4. Mecklenburg-Vorpommern
5. Sachsen
6. Sachsen-Anhalt
7. Thüringen

۸. متن مصوب قانون اول آمایش سرزمین در تاریخ ۲۲/۴/۱۹۶۵ به اجرا درآمد.